

چه پیش آمد که
این جنگ تبدیل
به بن بست شد که
هیچ چشم انداز
واقعی ای برای
پیروزی های
پایدار در آن دیده
نمی شد؟ کجای
این ماجرا ایراد
داشت؟

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، تصمیم به اقدام نظامی علیه افغانستان برخلاف جنگ ویتنام یا جنگ عراق، با حمایت یکپارچه عموم مردم مواجه شد. امریکایی هایی که از حملات تروریستی ویرانگر القاعده خشمگین بودند، از رهبران شان انتظار داشتند از مام وطن دفاع کنند. سه روز پس از ۱۱ سپتامبر، کنگره امریکا قانونی تصویب کرد که براساس آن، دولت بوش اجازه داشت علیه القاعده یا هرکشوری که به این شبکه پناه می داد وارد جنگ شود. همچنین ناتو به استناد تعهد جمعی اعضا برای دفاع از هریک از کشورهای عضو که مورد حمله قرار می گرفت، تعهد حضور در این جنگ را به عهده گرفت. شورای امنیت سازمان ملل به اتفاق آراء، حملات دهشتناک تروریستی را محکوم و از همه کشورها خواست تا عاملان این جنایت را به چنگال عدالت بسپارند؛ حتی کشورهای متخاصم امریکا مثل ایران نیز در این موضوع ابراز همبستگی کردند.

با چنین پشتوانه قوی و حمایت گسترده ای، امریکا نیازی به دروغ یا توجیه جنگ نداشت. با این همه، رهبران کاخ سفید، پنتاگون و وزارت خارجه، ظرف مدت کوتاهی با اطمینان خاطر دادن و ضمانت های بی پایه، انتشار گزارش های مجعول درباره شکست هایشان را شروع کردند. هیچ کس نمی خواست بپذیرد جنگی که با اهدافی عدالتخواهانه آغاز شده بود، این چنین به جنگی یکسره باخت تبدیل شده است. واشنگتن یکبار در سال ۲۰۰۳ و بار دیگر در ۲۰۱۴ پایان عملیات رزمی را اعلام کرد که سناریویی واهی بود و در واقع هیچ ارتباطی با واقعیت های ملموس میدانی نداشت. او با ما سوگند یاد کرده بود به جنگ پایان دهد ولی تا پایان دور دوم ریاست جمهوری خود در سال ۲۰۱۶ نتوانست به وعده اش عمل کند. امریکایی ها از درگیری های بی سرانجام در خارج از کشور خسته شده بودند.

سؤال اینجا بود که چه پیش آمد که این جنگ تبدیل به بن بست شد که هیچ چشم انداز واقعی ای برای پیروزی های پایدار در آن دیده نمی شد؟ کجای این ماجرا ایراد داشت؟ هیچ کس نمی توانست درباره علل از هم پاشیده شدن پویایی که برای مبارزه با القاعده به راه افتاده بود، توضیح قانع کننده ای ارائه دهد.

در سال ۲۰۱۶ اخباری منتشر شد مبنی بر اینکه مجموعه ای تحت عنوان دفتر بازرسی ویژه بازسازی افغانستان (SIGAR) در پروژه ای با عنوان درس های آموخته شده، با صدها نفر از مقامات ایالات متحده در جنگ مصاحبه کرده است. کریگ وایت لاک، خبرنگار واشنگتن پست پس از پیگیری های متعدد و ناامیدکننده از بازرسی ویژه، طی دو شکایت مبتنی بر قانون آزادی اطلاعات، توانست اسناد پروژه درس های آموخته شده را از بازرسی ویژه (SIGAR) بگیرد. این اسناد، شامل مصاحبه هایی با ۴۲۸ نفر از ژنرال ها، دیپلمات ها و افرادی بود که نقش مستقیمی در جنگ داشتند. این مصاحبه ها که از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ انجام شده بود، تقریباً همگی روی وقایعی تمرکز داشت که در دولت های بوش و او با مارخ داده بود. اکثر مصاحبه شوندگان امریکایی بودند. همچنین مصاحبه گران، برای مصاحبه با ده ها مقام خارجی کشورهای ناتو به اروپا و کانادا سفر کردند و همچنین برای مصاحبه با مقامات فعلی و سابق دولت افغانستان، امدادگران و مشاوران رشد و توسعه به کابل سفر کردند.

بازرسی ویژه بخش هایی از اسناد را بازبینی و سانسور کرده و هویت اغلب مصاحبه شوندگان، حدوداً ۸۵ درصد آنها را به استناد قانون حفظ حریم خصوصی سانسور

کریگ وایت لاک
خبرنگار واشنگتن پست
و نویسنده کتاب

